

۵۵ میرحسین موسوی: کارگران به دنبال عدالت اجتماعی هستند

۵۵ ضرورت تشکیل سندیکا

۵۵ دولت احمدی نژاد، قانون کار را به زیان کارگران تغییر می دهد

میرحسین موسوی: کارگران خواهان آزادی برای ایجاد تشکل های سیاسی و صنفی خود هستند تا مشکلات شان را حل کنند



سبز خواست از طریق اطلاع رسانی سینه به سینه با اقشار مختلف جامعه، به ویژه روستاییان، کارگران و کشاورزان ارتباط برقرار کنند و آنها را نسبت به حقوق خود آگاه سازند.

میر حسین موسوی و مهدی کروبی، دو همراه جنبش سبز، و خانم زهرا رهنورد، همسر آقای موسوی، از زمان راهپیمایی هواداران جنبش سبز در تهران و چند شهر دیگر ایران در روز ۲۵ بهمن سال گذشته در حبس خانگی به سر می برند.

زندگی کارگران ما تاثیر می گذارد... نخست وزیر سابق ایران به بستن روزنامه ها، محدود کردن تشکلهای صنفی و سیاسی، پرکردن زندانها اشاره کرد و افزود: همه اینها در سرنوشت معلمان و کارگران تاثیر می گذارد. خیلی مهم است که معلمان و کارگران براین حقیقت واقف باشند که هستند که مشکلاتی که آنها در زندگی روزانه خود لمس می کنند، ناشی از مسایل کلی و جاری کشور است و یک ارتباط سنگین و مستقیم بین آنها وجود دارد. او تاکید کرد که خواست کارگران و معلمان، چیزی جدا از خواسته های اساسی و بنیادی مردم کشور نیست و آن چیزی جز توسعه نمی باشد. آقای موسوی افزود: دود عدم توسعه کشور به چشم همه مردم می رود و مهمتر از آن به چشم کارگران در بخش های مختلف می رود. توسعه کشور به نفع کارگر و معلم است. وی ادامه داد که کارگران و معلمان در پی آزادی هستند، چون به این وسیله می توانند فعالیتهای صنفی خود را داشته باشند. آنها به دنبال عدالت اقتصادی و معیشتی و عدالت در توزیع منزلت های اجتماعی هستند که از این طریق بهتر می توانند از استقلال دفاع کنند. عدالت باعث می شود که آنها بتوانند ثروت ایجاد کنند و با خدمات خود بتوانند بیشتر به جامعه فایده برسانند. او سیاست خارجی دولت ایران را «نامتعادل»، «ماجرآ آفرین» و «بی برنامه» توصیف کرد و گفت: «این اقدامات خلاف تدبیر، بلافاصله تاثیر خود را بر سفره مردم نشان می دهد».

میر حسین موسوی همچنین از حامیان جنبش

میرحسین موسوی، از همراهان جنبش سبز، در روز جهانی کارگر سال گذشته در پیامی به مناسبت روز کارگر و نیز روز معلم، از کارگران و معلمان ایران خواست که به «جنبش سبز» بپیوندند و در جستجوی آزادی باشند. وی که بیش از شش ماه است که همراه با همسر خود در حبس خانگی به سر می برد، در این پیام ویدیویی با بر شمردن مشکلات کارگران و معلمان و نسبت دادن آن به عملکرد حکومت ایران، افزایش تورم، کاهش میزان سرمایه گذاری، رواج فساد و دروغ، سوء مدیریت، تعطیلی کارخانه ها، از دست رفتن بازار برای تولیدات ملی، افزایش بی کاری و عدم پرداخت دستمزد بسیاری از کارگران را از جمله مشکلات موجود در ایران دانست. او گفت که کارگران و معلمان می دانند که مسائل زندگی روزمره آنها با اقدامات حکومت در محدود کردن رسانه ها، به زندان انداختن فعالان سیاسی و محدود کردن فعالیت تشکل های صنفی و سیاسی ارتباطی گسترده دارد. آقای موسوی گفت که معلمان و کارگران خواهان آزادی هستند تا بتوانند تشکل های سیاسی و صنفی خود را تشکیل دهند و از طریق فعالیت سیاسی، راه حلی برای مشکلات خود پیدا کنند. وی با اشاره به تاثیر منفی واردات بی رویه در بازارهای ملی خاطرنشان کرد که متأسفانه ما در حال واگذاری بازارهای ملی خود به بیگانگان هستیم و همه ملت می داند تا چه اندازه این مساله در سرنوشت ملت، استقلال و آزادی و

ضرورت تشکیل سندیکا

وضعیت دشوار و وخیم اقتصادی ایران، گرانی، تورم، اخراج کارگران و افزایش بیکاری، و حقوق های بسیار کم شرایط زندگی را برای میلیون ها کارگر ایرانی سخت تر کرده است. اخراج کارگران در شرایطی صورت می گیرد که به دلیل واردات گسترده قاچاق کالا و آزادی فعالیت بخش سرمایه داری تجاری و دلالت، بسیاری از واحد های تولیدی به رغم داشتن امکانات و تجهیزات فنی و کارآمد و نیروی انسانی با سابقه منحل شده اند و می شوند و هر روز، تعداد بیشتری از کارگران، بیکار می شوند و به صف میلیون ها بیکاری ملحق می شوند که سرنوشت نامعلوم و سیاهی انتظارشان را می کشد. این وضعیت منجر به تشدید فقر، فحشا و اعتیاد شده است. در کنار اینها، می توان به آمار بالای طلاق اشاره کرد که یکی از دلایل آن، نداشتن حداقل امکانات زندگی و کار و مسکن مناسب است. همچنین کودکان کارگران به جای رفتن به مدرسه، به خیابان ها سرازیر شده اند و در سنین پایین مجبور به کار کردن با حقوق ناچیز هستند. در این میان، هر کسی در این کشور، به جز کارگران، آزاد است که هر کار که به سودش است، انجام دهد. به عنوان مثال، دولت مجاز است قیمت ها را گران کند، صاحبان وسایط نقلیه درون شهری و برون شهری می توانند برای جبران هزینه های قطع یارانه انرژی، کرایه های خود را افزایش دهند، کارفرمایان و کارخانه داران مجازند به دلیل افزایش قیمت های حامل انرژی تعدیل نیرو کنند و از گرده کارگران باقیمانده کار بیشتری بکشند. کارفرمایان و کارخانه داران همچنین مجازند که قیمت های محصولات شان را برای حفظ سود خود افزایش دهند و در صورتی که سود نبرند، کارخانه های خود را تخته کنند و صدها و هزاران کارگر را بیکار کنند. مالکین منازل مسکونی نیز مجازند و می توانند به دلیل تورم ناشی از حذف یارانه ها، اجاره بهای منزل مسکونی خود را افزایش دهند.

اما میلیون ها کارگر برای زنده ماندن خود و خانواده هایشان حق ندارند حقوق به عقب افتاده خود را بخواهند و یا خواستار افزایش دستمزدهای خود شوند. همه این ضرب المثل را شنیده ایم که «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من». بنابراین راه چاره کارگران، ایجاد سندیکا، اتحادیه ویا تشکل مستقلی است که حرف دل آنان را بزند و از منافع آنان در این وضعیت سخت اقتصادی دفاع کند. کارگران بسیاری از کشورهای جهان برخلاف برداران و خواهران کارگر خود در ایران، دارای سندیکا و اتحادیه هستند که در مذاکره با کارفرما و یا در اعتراض های کارگری، از آنان دفاع می کند. اما دولت ایران برخلاف تعهدات بین المللی اش به کارگران اجازه نمی دهد تا سندیکا یا اتحادیه خود را داشته باشند. در عوض، چند تشکل کارگری از سوی دولت اجازه فعالیت دارند که قدمی در راه کارگران و منافع آنان بر نمی دارند و به عنوان مثال، هر سال، حقوق پایین تر از خط فقر را برای کارگران قبول می کنند. تجربه چند کارخانه در ایران، مانند شرکت نیشکر هفت تپه، کیان تایر، مجتمع پتروشیمی بندر امام و تبریز نشان می دهد که کارگران این کارخانه ها با داشتن اتحاد عمل، انتخاب نماینده و تشکیل سندیکا و اتحادیه توانسته اند حقوق و مزایای خود را تا حدودی و یا به طور کامل بگیرند و یا اینکه مانع از تعطیلی این واحدها شوند. این موضوع نشان می دهد که اگر کارگران یک دل و زبان شوند و سندیکا و اتحادیه خود را ایجاد کنند، می توانند از حق خود دفاع کنند.



دولت احمدی نژاد، قانون کار را به زیان کارگران تغییر می دهد

کارگاه ها و کارخانه ها، فرار از مقررات حمایتی قانون کار از کارگران و ممانعت از بازرسی محیط های کار توسط بازرسان بوده است. البته بحث تغییر قانون کار تازگی ندارد و سال های قبل نیز صورت گرفته است. برای مثال، نزدیک به دو دهه پیش، برگزاری هر گونه تظاهرات کارگری ممنوع شد و یا اینکه کارگاه های زیر ۱۰ نفر، از شمول قانون کار، خارج شدند و با این حساب، صدها هزار کارگر از پوشش بیمه ای و حداقل دستمزد هم محروم شدند. در این شرایط، حدود هفت میلیون کارگر ایرانی در حالی مزایا و حقوق رسمی خود را از دست می دهند که بسیاری از آنها باید چرخ زندگی خود و خانواده هایشان را با حقوق حداقل ماهانه ۳۳۰ هزار تومان بگردانند. حقوقی که متناسب با خط فقر یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومانی نیست و کفاف زندگی شرافتمندانه را به کارگران و خانواده هایشان نمی دهد. اینها همه نشان می دهد که شعارهای دولت در مورد رسیدگی به مردم، مستضعفان و ... دروغ است و احمدی نژاد نه تنها پول نفت را به سفره مردم نبرد، بلکه روز به روز سفره آنان را خالی تر می کند. البته اگر هنوز چیزی برای خالی شدن وجود داشته باشد.

حق اظهار نظر ندارند. در عین حال، سه روز مرخصی تشویقی برای فوت اقوام درجه یک کارگر به یک روز کاهش یافته و از طرف دیگر، افزایش ۴۰ درصدی مزد کارگران در نوبت کاری و شیفت کاری حذف شده است. همچنین حق کارفرما برای اخراج کارگران که مشروط بود، در صورت تصویب تغییرات مورد نظر دولت، به رسمیت شناخته می شود و دست کارفرما برای اخراج کارگران باز خواهد شد. به این ترتیب، در صورت تصویب تغییرات در قانون کار، باید در انتظار محدودیت های جدیدی بر کارگران بود. دولت احمدی نژاد در حالی قصد حذف مزایای کارگران را دارد که دست کارفرما برای قرارداد موقت، یعنی قرارداد کوتاه، باز است. در همین راستا، در روزهای پایانی سال، قرارداد کارگران قرارداد موقت که تمام می شود، آنان از مزایای کامل آخر سال، مرخصی های با حقوق ایام عید و بسیاری مزایای دیگر محروم می شوند. این در حالیکه نزدیک به ۹۰ درصد کارگران ایران امنیت شغلی ندارند؛ یعنی همین حالا هم از مزایای قراردادهای رسمی کار محرومند. دلیل روی آوردن کارفرمایان به قرارداد موقت، بالا بردن میزان سود از کار کارگران در

دولت احمدی نژاد در نظر دارد تا قانون کار را تغییر دهد. به همین خاطر هم تاکنون جلساتی در شورای عالی کار برگزار شده است. بر اساس گزارش های منتشر شده، تصمیم به تغییر قانون کار در چارچوب طرح تحول اقتصادی گرفته شده است. در همین راستا، پیش نویسی از سوی وزارت کار و امور اجتماعی تحت عنوان «اصلاحیه قانون کار» در اختیار تشکل های کارفرمایی و برخی از تشکل های کارگری مورد اطمینان دولت قرار گرفته که بر اساس آن، ۲۸ بند از مفاد قانون کار فعلی تغییر کرده و به عبارتی، تمامی مزایای کارگران در این موارد قطع شده است. برای مثال، مرخصی کارگران از ۳۰ روز به ۲۱ روز کاهش پیدا کرده است. همچنین تشکل های کارگری رسمی در مورد اخراج کارگران